



حفظ دستاوردهای آن است. در اینجا برای معرفی آثار علمی و عملی ایشان گامی کوچک برداشته‌ایم. امیدواریم این راه در تعریف چهره‌های شاخص علم و حکمت ادامه یابد و قبل از فقدان این گنجینه‌های ذی‌قیمت، شکر آن‌ها بجا آورده شود. بهترین مصداق شکرگزاری این نعمت‌ها در یک وجه همین امر است که آنان را به جوامع علمی و دینی معرفی کنیم. زندگی‌نامه، آثار استاد در شاخه‌های مختلف آن، مقایسه تفسیر تسنیم و المیزان و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی استاد از مهم‌ترین مباحث طرح شده در این مقاله هستند.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، آثار علمی، تسنیم

زندگی‌نامه و فعالیت‌های اجتماعی و علمی استاد

زندگی‌نامه آیت‌الله جوادی آملی «دام عزه»

آیت‌الله شیخ عبدالله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ ه.ش در شهر آمل به دنیا آمد. پدرش مرحوم میرزا ابوالحسن جوادی از عالمان و واعظان پرهیزکار شهر بود و اجدادش تا چند نسل از روحانیون و مبلغان احکام الهی آنجا بودند. جد ایشان مرحوم ملا فتح‌الله آملی از روحانیون برجسته و مبلغ احکام الهی و شریعت اسلامی و ناشر آثار اهل‌البيت (ع) بود. ایشان به ذکر احکام و مناقب آن بزرگواران می‌پرداخت و مدتی در خفقان حکومت پهلوی ممنوع‌المنبر شد. پس از پایان دروس دوره ابتدایی، از آنجا که

## خورشیدی که در حوزه علمیه قم می‌درخشد

شخصیت و آثار و آرای علوم قرآنی استاد علامه حضرت آیت‌الله جوادی آملی

حسن فیروزنیا

دبیر دینی و قرآن کرج استان البرز

اشاره

این مقاله در پی معرفی یکی از ذخایر بزرگ انقلاب اسلامی و جامعه علمی و حوزوی است. ایشان عمری را در راه کسب علم و حکمت و معرفت صرف کرده است. بی‌تردید یکی از پایه‌های سترگ و مستحکم انقلاب اسلامی و حوزه و دانشگاه است. آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی، یکی از عالمان و عارفان بی‌ادعا در عصر کنونی است. زندگی ایشان مملو از ایستادگی‌ها و تلاش‌ها برای به ثمر نشاندن حرکت عظیم انقلاب اسلامی و

خانواده ایشان علاقه خاصی به روحانیت داشتند، تصمیم گرفتند ایشان را از طلاب مسجد جامع آمل گردانند. به همین منظور، در سال ۱۳۲۵ شوق آموختن معارف اسلامی و علوم الهی، وی را به حوزه علمیه آمل کشاند. در این حوزه ادبیات، شرح لمعه، قوانین، شرایع، امالی شیخ صدوق و... را از محضر استادانی چون **آیت الله فرسیو**، **آیت الله غروی**، **شیخ عزیزالله طبرسی**، **آقا ضیاء آملی**، **شیخ احمد اعتمادی**، **شیخ ابوالقاسم رجایی**، **شیخ شعبان نوری** و پدرش **میرزا ابوالحسن جوادی** آموخت.

استاد در حوزه علمیه مسجد جامع آمل کتاب‌های جامع‌المقدمات سیوطی، حاشیه حاجی، مطول و مقداری از کتاب شرح لمعه را نزد مرحوم پدرش، **آقای اشراقی**، **آقای اعتمادی** و دیگر استادان آموخت و بخشی از کتاب قوانین را نزد آقا ضیاء آملی و آقای غروی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حجت‌الاسلام **میرزا رضا روحی** (بدر خانش) و شیخ عزیزالله طبرسی و... امالی شیخ صدوق و حفظ قرآن و تفسیر را در روزهای تعطیل نزد آقا ضیاء آملی فرا گرفت.

### تحصیل در حوزه علمیه تهران

استاد در سال ۱۳۲۹ به تهران آمد و با راهنمایی آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی تحصیلات خود را در مدرسه مروی تهران ادامه داد. در آنجا رسائل و مکاسب را از محضر استادان **شیخ اسماعیل جاپلقی**، **حاج سیدعباس فشارکی** و **شیخ محمدرضا محقق** فرا گرفت و از درس هیئت، طبیعیات اشارات، **بخش‌هایی** از اسفار و شرح منظومه آیت‌الله شعرانی بهره برد.

همچنین، در درس تفسیر قرآن، بخشی از شرح منظومه، بخش الهیات و عرفان اشارات و بحث نفس اسفار آیت‌الله الهی قمشه‌ای شرکت کرد. شرح فصوص‌الحکم را از محضر **آیت‌الله فاضل تونی** و درس خارج فقه و اصول را از محضر **آیت‌الله محمدتقی آملی** تلمذ کرد.

### ورود به حوزه علمیه قم

در سال ۱۳۳۴ با تشویق آیت‌الله محمدتقی آملی برای تکمیل تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شد و از استادان بزرگی بهره‌مند شد. خود

استاد چنین می‌نویسد:

«در حوزه علمیه قم نیز توفیق یارمان شد و توانستیم محضر بزرگان علما و استوانه‌های مهم علم و تقوا را درک کنیم و به حوزه درسی آن‌ها راه یابیم.»

استاد در حوزه علمیه مدتی از درس خارج فقه آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرد و بیش از ۱۲ سال در درس خارج فقه آیت‌الله محقق داماد و حدود هفت سال در درس خارج اصول امام خمینی (ره) حضور یافت. همچنین، حدود پنج سال در درس خارج آیت‌الله میرزا هاشم آملی شرکت کرد. اما به دلیل علاقه وافر به علوم عقلی و قرآنی، از همان ابتدای ورود به حوزه قم، رابطه علمی خود را با فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن، آیت‌الله طباطبایی، آغاز کرد. این ارتباط تا آخرین لحظات عمر آن عالم بزرگ ادامه یافت. برخی از دروسی که از محضر ایشان آموخت، عبارت‌اند از بخش‌های سفر نفس کتاب اسفار و معاد آن (درس خارج اسفار)، الهیات و برهان شفا، تمهیدالقواعد، علم حدیث، تفسیر قرآن کریم، شرح اشعار حافظ، تطبیق فلسفه شرق و غرب و بررسی فلسفه‌های مادی و مارکسیسم.

### جایگاه علمی استاد

با توجه به اینکه زندگی علمی استاد براساس اعتقاد و ایمان بر حکمت بنا شده است، ایشان تمامی علوم را که طی سالیان طولانی آموخته‌اند، زمینه‌ای برای حرکت جوهری در نفس و حقیقت خود ساختند و به آنچه دانا شدند، دارا شدند و به تعبیر خود ایشان از گوش به آغوش کشاندند و نه تنها در تدریس، تألیف و تصنیف عالی‌ترین متون فلسفی - عرفانی، بلکه در طرح قویم‌ترین مباحث تفسیری، توفیقات فراوانی یافتند.

استاد پس از اتمام تحصیلات، فعالیت‌هایش را بر تدریس و نشر معارف الهی متمرکز کرد و در سطوح و دوره‌های گوناگون از جمله شرح اشارات، شرح تجرید، شرح منظومه، شواهدالربوبیه، التحصیل، شفا، دوره کامل اسفار، تمهیدالقواعد، شرح فصوص‌الحکم، مصباح‌الانسن، درس خارج فقه، تفسیر موضوعی و ترتیبی قرآن کریم و... تدریس کرد.



**استاد در سال ۱۳۲۹ به تهران آمد و راهنمایی آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی تحصیلات خود را در مدرسه مروی تهران ادامه داد**



و پس از آن در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به عضویت شورای عالی قضایی درآمد و به تهیه و تدوین لوایح قضایی اسلامی و آموزش آن به قضات پرداخت. همچنین، ایشان یکی از اعضای فعال مجلس خبرگان رهبری بود. استاد چند سال متوالی منصب امامت جمعه قم را بر عهده داشت که تا آبان ماه سال ۱۳۸۸ به انجام این وظیفه بزرگ ادامه داد، ولی به دلیل کهولت سن و ضعف جسمانی و فزونی کارهای نیمه‌تمامی مانند تفسیر تسنیم، از امامت جمعه خداحافظی کرد.

### سفرهای خارجی استاد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دستور رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و نیز مقام معظم رهبری (دام‌الله‌العالی) سه سفر تبلیغاتی برون‌مرزی داشت:

دی ماه ۱۳۶۷ برای تسلیم و تعلیم پیام تاریخی امام خمینی (ره) به رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی، آقای **گورباچف**، عازم مسکو شد.

در مرداد ۱۳۶۹ به چند کشور اروپایی از جمله آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد که در آن‌ها ضمن دیدار با شخصیت‌ها و گروه‌ها و انجمن‌های مذهبی و غیرمذهبی، به تبیین مبانی اسلام پرداخت.

در شهریور ماه ۱۳۷۹ برای شرکت در نشست هزاره ادیان، به مقر سازمان ملل در نیویورک رفت و به قرائت و شرح پیام رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پرداخت. در حاشیه این نشست، با برخی از رهبران و پیروان ادیان و مذاهب دیدار و تبادل نظر و برخی مبانی اسلام را برای آنان بازگو کرد.<sup>۱</sup>

### آثار علمی استاد

استاد علامه، در طول حیات پربرکت خویش، جهت شناساندن حقایق ناب اسلامی در زمینه‌های گوناگون، آثار ارزشمندی که برگرفته از عمق تفکر و زبردستی خود در معارف عالیه اسلام می‌باشد، را ارائه کرده‌اند. مهمترین آثار ایشان در چند شاخه تقسیم شده که اهم آن‌ها عبارت است از تفسیر، حکمت، فقه، معارف الهی و مانند آن.<sup>۲</sup> اینک به شرح مختصری از عناوین این آثار می‌پردازیم که مؤسسه اسرا چاپ و منتشر کرده است:



### فعالیت‌های اجتماعی استاد

از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این بعد می‌توان به تبلیغ اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تقویت بنیه اعتقادی مردم و حضور در مبارزات مردم آمل، عضویت در دستگاه قضایی، مجلس خبرگان رهبری و... اشاره کرد. در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به شکل بنیادین به کار فرهنگی و تقویت بنیه اعتقادی مردم می‌پرداخت و در جلسات مذهبی عمومی و کلاس‌ها، اندیشه‌های امام خمینی (ره) را بیان می‌کرد. با ذکر نام و فتوای امام به تبلیغ مرجعیت ایشان می‌پرداخت و اعلامیه‌ها و سخنان روشنگر امام را به گوش مردم می‌رساند. این فعالیت‌ها حساسیت رژیم را برانگیخت و ایشان بارها به ساواک و کلانتری احضار و ممنوع‌المنبر شد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی نیز با تعطیل درس‌های حوزه به آمل رفت و رهبری مردم را در مبارزه با رژیم طاغوت بر عهده گرفت. در اثر هدایت‌ها و تلاش‌های ایشان، مردم آمل موفق شدند مأموران رژیم را به تسلیم وادارند و خود تأمین امنیت و حفظ نظام شهر را عهده‌دار شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت دادگاه انقلاب و حاکمیت شرع آمل از سوی امام خمینی (ره) به ایشان واگذار شد و ایشان ضمن تدریس نظام قضایی اسلام برای طلاب و روحانیون، در جهت تثبیت و تحکیم ارکان نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران همت گماشت

از جمله  
مهم‌ترین  
فعالیت‌های  
ایشان می‌توان  
به تبلیغ  
اندیشه‌های امام  
خمینی (ره)،  
تقویت بنیه  
اعتقادی مردم  
و حضور در  
مبارزات مردم  
آمل، عضویت  
در دستگاه  
قضایی، مجلس  
خبرگان رهبری  
اشاره کرد





## کلام

در این مورد، آثاری چون کلام جدید - انتظار بشر از دین، کلام جدید - نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)، کلام جدید - دین‌شناسی، شریعت در آینه معرفت، کلام قدیم - ولایت فقیه (ولایت و فقاقت و عدالت) به زیور طبع آراسته شده‌اند.

## حقوق اجتماعی

شامل سرروش هدایت (در سه مجلد) سرچشمه اندیشه (در پنج مجلد)، مهر استاد، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)

## معارف الهی

آثاری از جمله رازهای نماز، صهبای حج، جرعه‌ای از صهبای حج، اسرار الصلاة، علی بن موسی الرضا (ع) و القرآن الحکیم، حکمت عبادات، قرآن حکیم از منظر امام رضا (ع)، زن در آینه جلال و جمال، و نزاهت قرآن از تحریف به یادگار گذاشته‌اند.

## سر نام‌گذاری تفسیر ترتیبی «تسنیم»

نام این تفسیر برگرفته از کلام خداست. «و مزاجه من تسنیم»<sup>۳</sup> (مطففین / ۸۳ / ۲۷) و حضرت رسول (ص) است که آن را والاترین شراب طهوری می‌شناساند که خود و خاندان پاکش از آن می‌نوشند:

«هو اشرف فی الجنة یشر به محمد و آل محمد و هم المقربون السابقون رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب و الائمه و فاطمه و خدیجه صلوات الله علیهم و ذریعتهم...» (بحار / جلد ۸: ۱۵۰) و ساقی آن ذات اقدس الهی است «و سقا هم شراباً طهوراً» (انسان / ۷۶ / ۲۱) که ساغر آن حقیقت نفیس معرفت و محبت به اوست: «ان الابرار لفی نسیم... یسقون من ریحی مختوم و ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون و مزاجه من تسنیم عیناً یشر بها المقربون» (مطففین / ۸۳ - ۲۲ تا ۲۸).

چون آدمیان در سیر و سلوک خویش متفاوت‌اند، بهره‌های بهشتی آنان نیز گوناگون است. برخی همانند ابرار از شراب گوارای «ریح مختوم» سیراب می‌شوند که مهر مشکین صیانت از باطل بر آن نهاده شده و از گزند هر نوع آلودگی منزه است و بهره مقربان،

## تفسیر

آثار استاد در این زمینه به دو بخش تقسیم می‌شود: تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی. تفسیر ترتیبی از آغاز قرآن کریم شروع شده و تاکنون چهل مجلد آن، از سوره حمد تا سوره یوسف و تا آیه چهل و نهم، به زیور طبع آراسته شده است. تفسیر موضوعی با عنوان‌هایی از جمله قرآن در قرآن، توحید در قرآن، وحی و نبوت در قرآن، معاد در قرآن، سیره پیامبران در قرآن، سیره پیامبر اکرم (ص) در قرآن، مبادی اخلاق در قرآن و مراحل آن، فطرت در قرآن، معرفت‌شناسی در قرآن، صورت و سیرت انسان در قرآن، حیات حقیقی انسان در قرآن و هدایت در قرآن و... چاپ شد.

## حکمت و کلام

در این باره آثار ارزشمندی با عنوان «رحیق مختوم» در چند بخش به شرح حکمت متعالیه پرداخته‌اند. همچنین، عناوینی چون فلسفه صدرا، فلسفه حقوق بشر، فلسفه تبیین براهین اثبات خدا، فلسفه علی بن موسی الرضا (ع) و الفلسفه الالهیه، فلسفه زیارت، فلسفه حق و تکلیف در اسلام، فلسفه منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، فلسفه شمس الوحی تبریزی (سیره عملی آیت‌الله طباطبایی) را به جامعه علمی عرضه کرد.

## عترت

در این خصوص نیز آثاری چون «ادب فنای مقربان در نه جلد، عصاره خلقت (درباره امام زمان (عج)) حماسه و عرفان (به فارسی و عربی)، گنجور عشق، مراثی اهل بیت علیهم السلام، عید ولایت، حکمت علوی ولایت علوی، تجلی ولایت در آیه تطهیر، قرآن در کلام امام علی (ع)، وحدت جوامع در نهج البلاغه، علی (ع) مظهر اسمای حسنی الهی، دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ظهور ولایت در صحنه غدیر، حیات عارفانه امام علی (ع)، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، شمیم ولایت، ولایت در قرآن (درباره علی (ع)) و نسیم اندیشه از خود به یادگار گذاشته است.

## فقه

درباره فقه آثاری از جمله کتاب‌الخمیس، درس خارج فقه، کتاب الحج (جلد ۱ و جلد ۲) و استفتانات ارائه فرموده‌اند.

**آثاری چون کلام جدید - انتظار بشر از دین، کلام جدید - نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)، کلام جدید - دین‌شناسی، شریعت در آینه معرفت، کلام قدیم - ولایت فقیه و فقاقت و عدالت) به زیور طبع آراسته شده‌اند**



## تناسب میان تسنیم و المیزان

رابطه میان این دو تفسیر در چند شاخه خلاصه می‌شود:

▣ **تبیین:** به لحاظ بیان می‌توان تفسیر تسنیم را تفسیر المیزان فارسی نامید، به این دلیل که به تبیین زبان علمی المیزان پرداخته است و از آن به‌عنوان محوریت کار بهره می‌برد. به عبارتی دیگر، ویژگی تسنیم زبان انتقال است که زبان علمی و فنی المیزان را فارسی کرده، از آنچه که حاوی تأملات تفسیری و علمی فراوان است، خواص از آن بهره می‌برند.

▣ **توسیع:** به لحاظ مقتضیات زمان حاکم بر دوره تفسیر المیزان، بسیاری از مباحث که در المیزان سر بسته و کلی بیان شده و شاکله آن در المیزان مطرح شده، توسط استاد توسعه یافته و برجسته شده است.

▣ **تعمیق:** که همان پرداختن به قابلیت‌های جدیدی است که در آیات در بستر زمان و شرایط مختلف پیدا می‌شود؛ هر چند ممکن است اصل آن در المیزان مطرح شده باشد (داورپناه، ۵۵-۵۴).

## تفاوت‌های میان دو تفسیر المیزان و تسنیم

گرچه تفسیر تسنیم، هم از نظر اسلوب و هم از نظر ساختار اصلی، مشرب تفسیری «المیزان» را پی می‌گیرد، لیکن تفاوت‌های ویژه‌ای در چند جهت مشاهده می‌شود:

۱. مؤلفه اصلی آن این است که جز از منظر قرآن به آیات نگریسته نشود. تار و پود همه علوم و دست‌مایه‌های مقدمی آن در نظام فکری قرآن طراحی و معماری شده است و تفسیری قرآنی محض عرضه شده است. استاد فرزانه مبنای حاکمیت مطلقه قرآن بر قرآن و نفی هر نوع حاکمیت و ولایت علمی بر قرآن را همواره مدنظر داشته و نور بصر دانسته و با تمام اعتقاد و باور بر این اسلوب قرآنی حرکت کرده است. او اصرار ورزیدن و طرح هیچ علمی از علوم را مستقلاً در کنار وحی پسندیده ندانسته است. از این رهگذر، قالب‌های فقهی، کلامی، عرفانی و حکمی آن از قلب قرآنی بهره دارند و هرگز نه تنها محدوده‌های تنگ این علوم وسعت دریای معارف آیات الهی را تحدید نکرده، بلکه خود نیز از این قلمز فسیح وسعت یافته و صبغه قرآنی گرفته است.

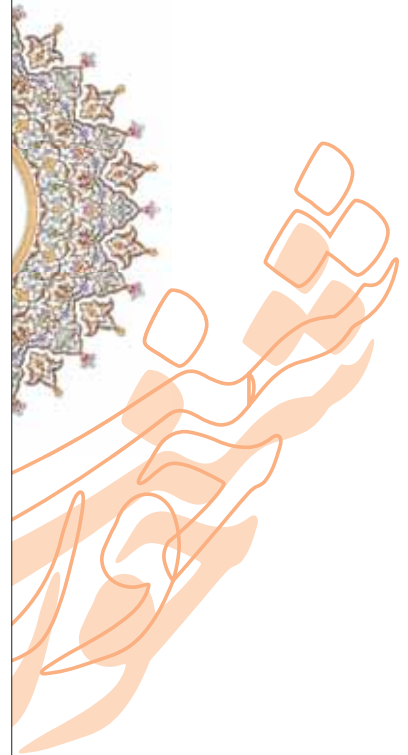


شراب چشمه تسنیم است که قراح محض و صراحی ناب است. استاد در این باره فرموده‌اند: آنچه در بهشت یافت می‌شود، اعم از نوشیدنی و خوراکی، از قنارتهای زیان‌بار مصون است. لیکن خلوص، صفا و ناب بودن مراتبی دارد و مؤمنان در دنیا به آن‌ها موفق شده‌اند و چون عقاید و اخلاق و اعمال اهل بیت (علیهم‌السلام) از هر نظر خالص است، آنان از چشمه تسنیم برخوردارند که مقداری از آن در شراب ابرار و اصحاب یمین ممزوج می‌شود (تسنیم، ج ۱: ۵۵۱).

دهاق تسنیم جام مالمال پیایی شراب خالص توحید و وحدت ناب است و آن را از ساقی جواد خواستن و از ولای الوهی مست شدن گواراست. «اللهم اسقنی من الرحیق المختوم الذی ختامه مسک و فی ذلک فلینافس المتنافسون اللهم اسقنی من تسنیم عیناً یشرب بها المقربون» (همان، ۲۸ و ۲۹)

## جایگاه تفسیر المیزان در تفسیر «تسنیم» و شاخص‌های تفسیر استاد

از اواخر قرن ۱۴ تحولی در نهضت تفسیر قرآن به وجود آمد که در واقع بازگشت به قرآن بود. از جمله کسانی که با رویکرد تفسیری قرآن به قرآن وارد عرصه تفسیر شدند، علامه طباطبایی(ره) است. استاد جواد آملی، ضمن اینکه همواره از ایشان به بزرگی و نیکی یاد می‌کند، شیوه استاد خویش را ادامه داده و محور کار تفسیری خویش برگزیده است.



از اواخر قرن ۱۴ تحولی در نهضت تفسیر قرآن به وجود آمد که در واقع بازگشت به قرآن بود. از جمله کسانی که با رویکرد تفسیری قرآن به قرآن وارد عرصه تفسیر شدند، علامه طباطبایی(ره) است

۲. جامع‌نگری قرآن در همه عرصه‌های انسانی حقیقت بارز دیگری است که در این تفسیر به گونه‌ای شفاف نمایانده شده است، قرآن نه تنها قداست ارتباط عبد با مولا را در میدان عبادت ترسیم می‌کند، بلکه می‌خواهد تمامی روابط انسانی را عبادی کند و عبودیت محضه را بر سراسر وجود انسانی حاکم گرداند.

۳. یکی از ممیزه‌های اصلی تفسیر تسنیم، تدوین و نگارش آن در زمان تحقق نظام اسلامی و آزادی دین است؛ فرصتی که علامه طباطبایی (ره) در زمان تألیف تفسیر قیم خود نداشته و اهل نظر نیزه‌های توهّم و تیرهای تخیل نشان رفته به حقایق علوی معارف عرفانی آن را مشاهده می‌کنند. البته به واسطه اندیشه‌های آسمانی امام خمینی (ره) حصارهای زمان شکستند و علوم و معارف غنی اسلامی از کنج زندان بدعت و انزوای حبس تحریف رهایی‌بخش و فرصت بی‌بدیلی برای مؤلف مفسر رخ نمود و استاد گران‌مایه نیز با ارائه بهترین اسلوب، بدون کمترین اضطراب، معارف مخفی شده‌ی میزان را یکی پس از دیگری تبیین کرد.

۴. طرح مباحث فقهی و تفسیر آیاتی که متضمن احکام و حدود الهی است و در تفسیر شریف میزان تعرضی به آن نشده، در دهاق تسنیم به صورت جامع و مبسوط پردازش شده و دو بهره اساسی به همراه دارد: یکی از آن دو مهم و دیگری اهم است. نکته مهم آنکه با زبان و مشرب تفسیری علامه (قدس سره) به این گونه آیات پرداخته شده که به حق می‌تواند فضای خالی آن را پر کند و نکته مهم آنکه فقه نیز در خدمت قرآن درآید.

### شاخصه‌های ویژه تفسیر تسنیم

۱. از نشانه‌های بارز دیگر این تفسیر گشودن ابواب سپهر معارف و اسرار الهی است که در قالب نکات و لطایف بدیع آورده شده است. از مهم‌ترین ذخایر قرآنی اشتغال آن بر بطون معانی است که طبق روایت معروف بر چهار مرحله وصف شده که البته هر یک از مراحل آن مواقف عدیده‌ای دارد: «کتاب الله علی اربعه اشیاء؛ علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق...» (مجلسی: ۲۰)

۲. از نکات برجسته این تفسیر تبیین جایگاه هر یک از ثقل اکبر (قرآن) و ثقل اصغر (روایات) و نحوه ارتباط آن دو با یکدیگر در تفسیر است؛ مسلکی که در نوع تفاسیر شیعی از این منظر به آن پرداخته نشده

است. شیوه تفسیری استاد، ضمن تثبیت پایگاه اول معرفتی دینی و ثقل اکبر (قرآن) پاسخ صحیح به آن دسته از روایات است که حجیت روایات را در گرو عدم مابینت با قرآن می‌داند و عرضه روایات به قرآن را بدین منظور توصیه می‌کند.

۳. از خصایص زنده تفسیر دهاق تسنیم تبیین مشرب‌های مختلف تفسیری اعم از کلامی، حکمی، عرفانی و نظایر آن است که با برشماری نقص‌های جدی برخی از آن‌ها راه صحیح و مسلک مستقیم فکری عرضه می‌شود تا در سایه آن برداشت مستقیم قرآنی نیز عاید شود. البته این معنا در تفسیر دهاق تسنیم تنها برای خواص اهل نظر و اوحدی اهل بصر روشن می‌شود.

۴. از برجستگی‌های آموزنده این تفسیر روش اخلاقی طرح مباحث آن است. بدون شک، از نکات مهم قرآنی، ظهور ادب و اخلاق الهی است که در کلام و گفتار او تجلی کرده و قرآن از این رهگذر، مأدبه و جایگاه ادب است. از این‌رو، استاد فرزانه نیز با تخلق به اخلاق قرآن اثر گران‌سنگ خود، دهاق تسنیم را مظهر ادب قرآنی قرار داده و با آهنگ ادبی و نراهتی آن در همه زمینه‌ها سخن گفته و قلم زده است.

۵. از جمله امتیازات شایسته این تفسیر آن است که گرچه این کتاب محصول تراوشات اندیشه بلند و افکار ناب مؤلف حکیم آن است، لیکن از این جهت که غالب مباحث آن در حوزه‌های درسی و در جمع وسیعی از فضایی سخت‌کوش حوزه بوده، از اتقان علمی ویژه برخوردار است و قابلیت‌های فراوانی را در خود فراهم کرده تا بتواند پاسخگوی نظرات، شبهات و سؤالات مختلف باشد.

۶. ویژگی‌های دیگر این تفسیر قویم در این مقالت مجمل نمی‌گنجد. تنها ذهن وقاد و ژرف‌نگر است که با غواصی در بحر معارف آن، مرجان جان و لولوء دل می‌یابد. اما به‌عنوان تذکر چند مورد را یادآوری می‌کند:

الف. این اثر واجد دو خصیصه ارزشمند در صنعت تدوین است:

۱. سعی شده متن کتاب، به رغم اتقان و استحکام مطلب، به زبان فارسی روان با واژگان آشنا نگاشته شود تا زمینه بهره‌وری بیشتر از آن فراهم آید.

۲. عبارات، معانی و مضامین آن از ثقل وزن خاصی برخوردار است.

از برجستگی‌های  
آموزنده تفسیر  
تسنیم روش  
اخلاقی طرح  
مباحث آن است.  
بدون شک، از  
نکات مهم قرآنی،  
ظهور ادب و  
اخلاق الهی است  
که در کلام و  
گفتار او تجلی  
کرده و قرآن از  
این رهگذر مأدبه  
و جایگاه ادب  
است